

مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و زنان عادی

احمد موحد^۱، زهره عباسی^۲
عاطفه احتشام‌پور^۳، فاطمه احمدی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی انجام شد. این مطالعه در چارچوب طرح علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی ساکن شهر قاین بود که از میان آنان ۲۵ زن متقاضی طلاق و ۲۵ زن عادی به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز استفاده شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون T مستقل صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد میانگین نمرات باورهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق (۹۶/۷۲۰) به‌طور معناداری کمتر از زنان عادی (۱۰۶/۴۰) است که بیانگر تفاوت معنادار بین دو گروه در این متغیر می‌باشد. در مقابل، اگرچه میانگین باورهای غیرمنطقی در زنان متقاضی طلاق (۳۳۹/۲۴۰) نسبت به زنان عادی (۳۳۳/۵۲۰) بالاتر بود، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار گزارش نشد. بر اساس نتایج، به نظر می‌رسد الگوی باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تمایزبخش در زنان متقاضی طلاق مطرح باشد، در حالی که باورهای غیرمنطقی به‌تنهایی قدرت تبیینی کافی برای تفکیک دو گروه نشان ندادند. این یافته‌ها

۱. مربی گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران a.movahed@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات، ایران (نویسنده مسئول).

z.abasi29@gmail.com

۳. کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران. ehteshampour.f@gmail.com

۴. کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران. ahmadi.f@gmail.com

بر ضرورت مداخلات مبتنی بر اصلاح باورهای ارتباطی و بازسازی شناختی در برنامه‌های پیشگیری و مشاوره خانواده تأکید می‌کند و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اصلاح طرح‌واره‌های ناکارآمد را به عنوان راهبردی کلیدی در کاهش تعارضات زناشویی و پیشگیری از طلاق مطرح می‌سازد.

واژگان کلیدی: باورهای ارتباطی، باورهای غیرمنطقی، زنان متقاضی طلاق، زنان عادی، قاین.



مقدمه

ازدواج به معنای پیوند زندگی فردی دو نفر با حفظ استقلال نسبی هر یک در مسیر تکامل شخصیت طرفین است. پیوند زناشویی به منزله یکی از پیچیده‌ترین انواع روابط انسانی، واجد چنان توان بالقوه‌ای در آزادسازی احساسات است که در کمتر روابط بین فردی دیگر می‌توان نظیر آن را یافت. ازدواج و تشکیل خانواده افزون بر تأمین و ارضای نیازهای عاطفی، روانی، جنسی و سایر نیازها می‌تواند کانون پرورش نسل‌های سالم و رشد یافته باشد، اما این امر در صورتی تحقق می‌یابد که رابطه زوج‌ها و به‌طور کلی کانون خانواده، سالم، گرم و بی‌تنش باشد (یوسف‌نیا پاشا و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان داده است که برای یک ازدواج رضایت‌بخش، برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است. برقراری ارتباط، یکی از مهارت‌های اصلی زندگی است. یکی از عواملی که می‌تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کند و موجبات عدم درک درست پیام فرستاده‌شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود، باورهای غلط، پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های منفی است. در واقع هر چه حوزه شناختی دو عنصر ارتباط یعنی گیرنده و فرستنده پیام از یکدیگر دورتر باشد، اثربخشی ارتباط کمتر خواهد بود. بر اساس تعریف آیدلسون و اپشتاین منظور از باورهای ارتباطی، عقیده و ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیر منطقی است که مختص رابطه زناشویی است و در اثر استفاده افرادی ایجاد مشکل کرده است که شامل باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خواهی، کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های جنسیتی می‌شود (آزادی‌فرد و امانی، ۱۳۹۵).

باورهای ارتباطی، یکی از عواملی است که در کیفیت ارتباط زناشویی نقش مهمی دارد. این باورها عوامل مهمی در تعهد شخصی افراد در باقی ماندن در روابط عاشقانه هستند (اورتوزن، لوتزن، سرنسون و اندرشید، ۲۰۱۰). باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌توانند در زندگی زناشویی بسیار مشکل‌ساز باشند. باورهای ارتباطی ناکارآمد، گرایش‌هایی هستند که موجب می‌شوند فرد در ارتباط با همسر خود در زندگی زناشویی به شیوه‌ای ناکارآمد و غیرمنطقی

1. Ewertzon, Lutzen, Srensson&Andershid

برخورد کند و باعث بروز مشکلات جدی در ارتباط زوجین با یکدیگر شود (ادیس و بمارد، ۲۰۰۲). در مقابل باورهایی مانند این باور که همسران تغییرپذیرند، در بیشتر مواقع موجب حفظ ارتباط می شود و به تداوم رابطه کمک می کند (کارنی و مک نالتی، ۲۰۰۱). هاروی^۳ (۲۰۰۵) و وینکلر و دورتی^۴ (۲۰۰۶) معتقدند که میان سبک های ارتباطی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوجین دارای تعارض زناشویی بیشتر دارای سبک های ارتباطی غیرمنطقی تر هستند. با ارتباط درست می توان پیوندهای بین فردی را افزایش داد، امکان اتخاذ تصمیم درست تر را فراهم کرد، نگرش ها و باورهای طرف مقابل را در مسیر رسیدن به همدلی بیشتر هدایت نمود و تغییرات و دگرگونی ها را توجیه کرد. عواملی وجود دارند که می توانند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کنند و موجب عدم درک درست پیام فرستاده شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شوند که به عنوان نمونه می توان به باورهای غلط، پیش داوری ها و نگرش های منفی اشاره کرد. همچنین هر چه حوزه های شناختی دو عنصر ارتباط یعنی گیرنده و فرستنده از یکدیگر دورتر باشد، اثربخشی ارتباط کمتر خواهد بود (شای آرانی، ۱۳۹۲). بنا بر اظهار نظر الیس (۲۰۰۳) بسیاری از واکنش های نامطلوب و مشکلات، ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی زوج هاست و تا زمانی که این گونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، پذیرش و همراهی نیز ادامه خواهند یافت. باورهای ارتباطی یک زمینه کلان در تحلیل شناختی- اجتماعی و فرایندهای ارتباطی بین زوجین است که با ثبات، تعهد، صمیمیت و سازگاری در ارتباط است. از این رو باورهای ارتباطی، باورهایی درباره ارتباط هستند که می توانند کارآمد و یا ناکارآمد باشند. باورهای ارتباطی کارآمد مانند باور به اینکه زوج ها می توانند تغییر کنند و رفتارهایی را که منجر به حفظ رابطه می شوند، تشویق کنند و کیفیت رابطه را بهبود ببخشند. در برابر آن باورهای ارتباطی ناکارآمد مانند اختلاف نبودکننده است و شاید به عنوان آسیب پذیری پایداری عمل کند که توانایی زوج ها را برای رویارویی با چالش های رابطه شان محدود سازد (یوسف نیا پاشا و همکاران، ۱۴۰۰).

1. Addis & Bernard

2. Karney & McNulty

3. Harway

4. Winkler, I., & Doherty, W. J

هافر کامپ (۱۹۹۴ به نقل از منصور و عبدالمحمدی، ۱۳۸۷) به بررسی باورهای ارتباطی و رفتار متعارض در ۷۴ زوج پرداخت. نتایج نشان داد که باور تخریب‌کنندگی مخالفت و عدم تغییر همسر در پیش‌بینی اختلافات زناشویی سهیم بودند و بین باورهای ارتباطی و شروع مشاجره در اختلافات زناشویی همبستگی منفی وجود دارد.

بوشمن (۱۹۹۸ به نقل از منصور و عبدالمحمدی، ۱۳۸۷) پژوهشی به عنوان ارتباط بین تعارض، باورهای ارتباطی و تکنیک‌های حل مسئله در ارتباطات عاشقانه زوجین انجام داد و نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که استفاده از تکنیک‌های حل مسئله مخرب، ارتباط معناداری با دو باور تخریب‌کنندگی مخالفت و عدم تغییرپذیری همسر با کمال‌گرایی جنسی دارد. در سال‌های اخیر شاهد افزایش نرخ طلاق و کاهش طول زندگی زناشویی بوده‌ایم. طبق رویکرد شناختی عوامل مؤثر بر ازدواج و ساختار آن عبارتند از شخصیت زوجین در ازدواج، سبک‌های دلبستگی، همانندی و همسانی نیازها، نگرش‌های ناکارآمد، انتظارات غیرمنطقی از ازدواج و باورهای غیرمنطقی از یکدیگر (پورمحمدرضایی تجربی و همکاران، ۱۳۹۳). منظور از باورهای غیرمنطقی، وجود افکار نادرست و نامنتطبق با واقعیت درباره خود و جهان است. به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان آشفتگی روانی ایجاد کند؛ زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند. بر این اساس سازش نیافتگی‌ها و مشکلات هیجانی ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای غیرمنطقی زیر بنای آن‌ها قرار دارند (پورمحمدرضایی تجربی و همکاران، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های متعددی بر این تأکید دارند که مشکلات رفتاری و تعارضات بین فردی زوجین با باورهای غیرمنطقی آن‌ها مرتبط هستند. برای مثال پژوهش ادیبراد و ادیبراد (۱۳۸۴) نشان داد بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق حسینیان و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین دو گروه (زنان متقاضی طلاق، زنان خواهان ادامه زندگی مشترک) در چهار خرده‌مقیاس باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های

جنسیتی بود. نتایج پژوهش سیف و اسلامی (۱۳۸۷) در مورد نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی نشان داد که بین خرده‌مقیاس‌های نبود تغییرپذیری همسر و سازش‌پذیری همسر و سازش‌پذیری زنان، رابطه معناداری در مسیر معکوس وجود دارد. همچنین بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری مردان نیز در خرده‌مقیاس‌های نبود تغییرپذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی، همبستگی معکوس و مستقیم وجود دارد. حیدری و همکاران (۱۳۸۴) نشان دادند که بین باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش ادیب و همکاران (۱۳۸۴) نشان داد که بین برخی از باورهای ارتباطی همچون باور به تخریب‌کنندگی مخالفت و باور به عدم تغییرپذیری همسر در زن و شوهرهای مراجعه‌کننده به مراکز قضایی در مقایسه با آن‌هایی که مایل به ادامه زندگی مشترک هستند، بیشتر است. از سوی دیگر مینوت و همکاران (۲۰۱۰) مطرح کردند بین ۸۵٪ تا ۹۱٪ از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدای روابط زناشویی باورهای منفی و پیش‌بینی‌های غیرمنطقی از روابط زناشویی داشته‌اند. به همین سبب از نظر ویکس (۲۰۰۱) برای درمان تعارضات زناشویی بهترین راهکار، کارکردن روی باورهای ناکارآمد زوجین و تغییر دادن آن‌هاست (مداحی‌فرد و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که بین زوجین متقاضی طلاق و افراد عادی در نوع باورهای غیرمنطقی، تعارضات زناشویی و سبک‌های مقابله‌ای، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه خانواده و منظومه زن و شوهری به عنوان یک کل و نظام در نظر گرفته می‌شود، روابط همه اعضای آن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد و از هم تأثیر می‌پذیرد. بنابراین ضروری است که به بررسی باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی که از مقدمات جدایی و طلاق است، پرداخته شود. افزون بر آن طلاق و جدایی تنش‌زا و ممکن است به افزایش استرس و کاهش بهزیستی روانی زوجین منجر شود. از سویی با مشخص کردن متغیرهایی که باعث افزایش طلاق می‌شوند، می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم کرد و از رخداد طلاق که در کشور رو به افزایش است، پیشگیری نمود. با توجه به مطالب ذکرشده، هدف این پژوهش مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی شهر قاین است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. از آنجا که به تحلیل مقایسه‌ای بین متغیرها پرداخته شده است، پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه زنان متقاضی طلاق و عادی هستند که در شهرستان قاین مشغول به زندگی هستند. با استناد به منابع روش تحقیق (دلور، ۱۳۹۰) که حداقل نمونه لازم برای روش علی-مقایسه‌ای باید هر زیر گروه حداقل ۱۵ نفر باشد. پژوهشگران برای اطمینان از تکمیل و عودت حداقل پرسشنامه لازم، نمونه‌ای شامل ۵۰ نفر (۲۵ نفر برای هر گروه) را در نظر گرفتند که از میان زنان متقاضی طلاق تعداد ۲۵ نفر و از میان زنان عادی تعداد ۲۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز شامل پرسشنامه‌های باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین و باورهای غیرمنطقی جونز بود.

الف) پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲): این پرسشنامه به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی به دست آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) به نقل از صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، (۱۳۹۶) ساخته و به دست پوراعتماد و مظاهری (۱۳۸۰) به نقل از صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، (۱۳۹۶) به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه شامل ۴۰ پرسش است که هر پرسش در طیف لیکرت، به صورت ۶ گزینه‌ای از صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود و برای نمره‌گذاری همه نمره‌ها با هم جمع می‌شوند و نمره به دست آمده، نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده‌آزمون است که عبارتند از باور به تخریب‌کنندگی مخالفت (۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶)، باور به تغییرناپذیری همسر (۸، ۱۳، ۱۸، ۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸)، توقع ذهن‌خواهی (۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷)، کمال‌گرایی جنسی (۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹) و باور در مورد ناهمسانی‌های جنسی (۵، ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰). شیوه نمره‌گذاری در مورد سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳، ۸، ۲۳، ۴، ۱۴، ۱۹، ۳۹، ۱۰، ۱۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰ به صورت معکوس است. همسانی درونی خرده‌آزمون‌ها در پژوهش‌های بی‌شماری مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله الیری (۱۹۸۷) به نقل از حیدری و همکاران، (۱۳۸۴) همسانی درونی آن را ۷۲٪ تا ۸۱٪ گزارش کرده

است. در پژوهش جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ است.

ب) آزمون باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۶۸): این آزمون برای اندازه‌گیری و سنجش عقاید غیرمنطقی ساخته شده است. این آزمون در سال ۱۹۶۸ توسط جونز تهیه شد. اکثر تحقیقاتی که پیرامون رابطه عقاید و باورهای غیرمنطقی با کنش‌های رفتاری و عاطفی در زمینه درمان عقلانی - عاطفی صورت گرفته است، از این آزمون استفاده کرده‌اند. جونز (۱۹۶۸) به نقل از نریمانی و همکاران، (۱۳۹۴) اعتبار این آزمون را ۰/۹۲ گزارش کرد و پایایی هر یک از مقیاس‌های دهگانه را ۰/۶۶ تا ۰/۸۸ به دست آورد. میانگین پایایی همه زیرمقیاس‌های آن نیز ۰/۷۴ گزارش شده است. ترگسler و کارست (۱۹۷۲) به نقل از نریمانی و همکاران، (۱۳۹۴) گزارش کردند که پایایی کل آزمون ۰/۸۸ و اعتبار زیرمقیاس‌های آن ۰/۴۵ تا ۰/۹۵ است. آزمون باورهای غیرمنطقی از ده قسمت شامل ۱۰۰ عبارت ساخته شده است. هر قسمت مربوط به یکی از باورهای غیرمنطقی است. عبارات آزمون به صورت لیکرت پنج درجه‌ای است. آزمودنی هر عبارت را می‌خواند و موافقت یا عدم آن را از به شدت مخالف تا به شدت موافق مشخص می‌کند. جهت نمره‌گذاری به طرف غیرمنطقی بودن است؛ یعنی نمره کمتر نشان دهنده منطقی‌تر بودن فرد است. نمره‌گذاری از ۱ تا ۵ است. در پایان نمرات فرد را در هر خرده‌مقیاس جمع می‌کند تا نمره کل فرد به دست آید. تحقیقات متعددی روایی این آزمون را مورد تأیید قرار داده‌اند. تقی‌پور (۱۳۸۵) به نقل از نریمانی و همکاران، (۱۳۹۴) با استفاده از یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، پایایی این آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش کرد.

در نهایت پرسشنامه‌ها توزیع و پس از جمع‌آوری آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در دو سطح (آمار توصیفی و آمار استنباطی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون T استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آزمودنی‌های این پژوهش یک گروه ۵۰ نفره از زنان شهر قاین بودند که از این بین ۲۵ نفر زنان متقاضی طلاق و ۲۵ نفر زنان عادی بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی) در جدول ۱ ارائه شده است و نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه باورهای ارتباطی دو گروه در جدول ۲ و نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه باورهای غیرمنطقی دو گروه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر مورد بررسی	گروه‌ها	تعداد آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار
باورهای ارتباطی	متقاضی طلاق	۲۵	۹۶/۷۲۰۰	۱۲/۶۵۷
	عادی	۲۵	۱۰۶/۰۴۰	۱۱/۹۵۲
باورهای غیر منطقی	متقاضی طلاق	۲۵	۳۳۹/۲۴۰	۱۶/۲۵۶
	عادی	۲۵	۳۳۳/۵۲۰	۲۵/۴۴۱

جدول شماره ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین و انحراف معیار باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق به ترتیب برابر ۹۶/۷۲۰۰، ۱۲/۶۵۷ و میانگین و انحراف معیار باورهای ارتباطی زنان عادی به ترتیب برابر ۱۰۶/۰۴۰، ۱۱/۹۵۲ است. از این رو مشخص می‌شود میانگین باورهای ارتباطی زنان عادی بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میانگین و انحراف معیار باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق به ترتیب برابر ۳۳۹/۲۴۰، ۱۶/۲۵۶ و میانگین و انحراف معیار باورهای غیرمنطقی زنان عادی به ترتیب برابر ۳۳۳/۵۲۰، ۲۵/۴۴۱ است که مشخص می‌شود میانگین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی است. در ادامه به منظور بررسی فرضیه‌ها از آزمون T استفاده شد که در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

فرضیه اول: بین میزان باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: آزمون T جهت مقایسه باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی

متغیر مورد آزمون	میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
باورهای ارتباطی	متقاضی طلاق	-۲/۶۷۷	۴۸	۰/۰۱۰
	عادی			
	۹۶/۷۲۰			
	۱۰۶/۰۴۰			

مطابق اطلاعات جدول شماره ۲، میانگین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی به ترتیب برابر ۹۶/۷۲۰، ۱۰۶/۰۴۰ است که با توجه به T به دست آمده (۲/۶۷۷) با درجه آزادی ۴۸ که در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است، می توان گفت بین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون T جهت مقایسه باورهای غیر منطقی زنان متقاضی طلاق و عادی

متغیر مورد آزمون	میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
باورهای غیر منطقی	متقاضی طلاق	۰/۹۴۸	۴۸	۰/۳۴۸
	عادی			
	۳۳۹/۲۴۰			
	۳۳۳/۵۲۰			

مطابق اطلاعات جدول شماره ۳، میانگین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی به ترتیب برابر ۳۳۹/۲۴۰، ۳۳۳/۵۲۰ است که با توجه به T به دست آمده (۰/۹۴۸) با درجه آزادی ۴۸ که در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار نیست، می توان گفت بین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارتباطات میان فردی، اساس و شالوده هویت و کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران است. ارتباطات مؤثر موجب شکوفایی و بهبود کیفیت روابط افراد می‌شود. این در حالی است که ارتباطات غیرمؤثر مانع شکوفایی انسان می‌شود و روابط را تخریب می‌کند. انسان درگیر ارتباط می‌شود تا هویت پیدا کند و با دیگران پیوند برقرار و پیوندهای خود را عمیق‌تر می‌کند. در ضمن مشکلات خود را رفع و امکانات موجود را کشف می‌کند. بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان فردی تشکیل می‌دهد. ارتباطات میان فردی، حیات بخش روابط هدفمند است (وود، ۱۹۹۸ به نقل از ادیب‌راد و همکاران، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهش نشان داد بین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های حسینیان و همکاران (۱۳۹۵)، ادیب‌راد و ادیب‌راد (۱۳۸۴)، ادیب‌راد و همکاران (۱۳۸۴) همسوست. افراد از زمان کودکی درباره خود، دیگران و دنیای‌شان باورهای خاصی ایجاد می‌کنند. مهم‌ترین این باورها یا باورهای اصلی، ادراک‌ها یا دریافت‌هایی آن‌چنان بنیادین و عمیق است که حتی برای خود افراد نیز واضح و روشن نیستند. همان‌گونه که وجود اشیاء برای افراد حقیقت دارد، این عقاید را نیز به عنوان حقیقت مطلق در نظر می‌گیرند و آن‌ها را وارد خانواده اصلی خود می‌کنند. در واقع به همان شکلی که افراد باورهای محوری در مورد خود، جهان و آینده دارند، باورهایی نیز در مورد خانواده‌هایشان دارند. باورهای منشأگرفته از خانواده پدری چه خودآگاه و چه ناخودآگاه، از جانب هر دو زوج به هم می‌پیوندند و باعث بروز و شکل‌گیری طرح‌واره‌های خانواده فعلی می‌شوند. گاه همین باورهایی را که از خانواده هسته‌ای در خود جذب کرده و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌ایم، غیرمنطقی هستند؛ اما بر اثر استفاده زیاد آن‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی برای ما به صورت عادت درآمده است و مکرراً از آن‌ها در نظام تفسیری خود استفاده می‌کنیم (افقه، ۱۳۸۷). طبق مطالعات انجام‌شده، باورهای ارتباطی در کیفیت ارتباط نقش مؤثری دارند. در واقع این باورها یکی از مهم‌ترین فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده شخصی افراد در روابط عاشقانه محسوب می‌شوند. در صورتی که این باورها غیرمنطقی باشند، رابطه

زودتر تخریب می‌شود و به سمت جدایی پیش می‌رود (نوری پورلیالی و همکاران، ۱۳۹۴).

سناریوی طلاق، یک معرکه ناگهانی نیست؛ بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است. ترس از تعارض و احساسات همراه آن می‌تواند منجر به عدم درگیری در مسائل و در نهایت ابتدا طلاق عاطفی و سپس طلاق قانونی شود (شیری، ۱۳۸۷). همسرانی که مهارت‌های ارتباطی را بلد باشند، هرگز با طعنه، زخم‌زبان، کنایه و پایین آوردن حرمت یکدیگر به ابراز احساسات ناخوشایند نمی‌پردازند. نباید تصور کنیم که یک زندگی ایده‌آل بدون هر گونه اختلاف نظر است. واقعیت این است که اختلاف نظر و تفاوت عقیده همیشه وجود خواهد داشت؛ نکته‌ای که مهم است، نحوه برخورد و حل اختلاف است.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود ندارد که با نتایج پژوهش‌های حجت و همکاران (۱۳۹۲) و زارعی دوست و همکاران (۱۳۸۶) همسوست، اما اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه (انصاف‌داران و همکاران، ۱۴۰۰؛ اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۳؛ هنرپروران و همکاران، ۱۳۹۰) به ارتباط باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری و جدایی زوجین اشاره دارد. باورهای غیرمنطقی به طور مستقیم به دلیل همراه داشتن نگرانی‌ها، انتظارات، نشخوارهای فکری و حساسیت‌ها در یک زمینه خاص به طور غیرمستقیم با تأثیرگذاری در بروز اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب و نیز وجود باورهای غیرمنطقی تحکمی از قبیل بایدهای دیگر محور در یک یا هر دو زوج می‌تواند با اعمال کنترل بر طرف مقابل، از نیاز به خود پیرو بودن و انجام رفتارها به خواست و اراده خود در همسر ممانعت کند. افزون بر تأیید، تحسین و برقراری رابطه گرم و صمیمی با طرف مقابل مشروط به پیروی از باورها و ارزش‌های مورد قبول خود، مانع ارضای نامشروط نیازهای شایستگی و ارتباط در همسر می‌شود و بدین ترتیب داشتن این قبیل باورهای تحکمی می‌تواند با ممانعت از ارضا و نیازهای بنیادین همسر، مانع شکل‌گیری رابطه حمایتگر، صمیمی و متعهدانه در زوجین و موجب بروز مشکلات زناشویی شود (صدری دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۸).

تفاوت در یافته‌های به دست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های پیشین را می‌توان بر پایه مواردی که در زیر به آن‌ها اشاره شده است، تبیین کرد:

۱. بر اساس نتایج پژوهش امین پور و احمدزاده (۱۳۹۰) بین میانگین باورهای غیرمنطقی بر اساس سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین نمره باورهای غیرمنطقی افراد دارای تحصیلات ابتدایی و بی سواد بیش از سایر گروه‌هاست. از این رو با توجه به اینکه در پژوهش حاضر سطح تحصیلات آزمودنی‌ها هم‌تا نشده بود، برای تعمیم یافته‌ها لازم است احتیاط بیشتری صورت گیرد.

۲. جامعه کنونی ما جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته و به تبع آن تغییر در باورها و عقاید است. هر چه سن افراد پایین‌تر باشد، طبیعتاً تغییر در باورها را سریع‌تر می‌پذیرند و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر متغیر سن کنترل نشده است؛ از این رو می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌های سنی اعضای نمونه مانع از مشاهده نتایج پیش‌بینی شده گردیده باشد. زوجین نیاز دارند که با مطالعه تفاوت‌های زن و مرد و کسب مهارت‌های ارتباطی به تدریج باورهای منفی و کلیشه‌های غلط و ویرانگر را به افکار مثبت تبدیل کنند. همیشه گفته می‌شود که تنها چیز ثابت در زندگی «تغییر» است. باید با تمرین و ممارست تغییر را ایجاد کرد. نباید از روند کند «تغییر» خسته شویم. باید بدانیم که ارتباطات رشدیافته نیازمند این تغییر و تغییر زمان‌بر است و آنچه به زندگی ما هدیه می‌کند، بسیار لذت‌بخش خواهد بود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که این تحقیق در فاصله زمانی کوتاه مدت اجرا شده است که این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری در خصوص نتایج در شرایط زمانی بلندمدت تأثیر بگذارد. محدودیت دیگر این است که در پژوهش حاضر به دلیل اینکه جامعه آماری این پژوهش افراد متقاضی طلاق بودند، در تعمیم یافته‌ها به سایر افراد جامعه باید به خاص بودن نمونه توجه شود. از این رو پیشنهاد می‌شود برای نمونه‌هایی با حجم بیشتر و در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت‌تر این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر تکرار شود تا قابلیت تعمیم نتایج بیشتر شود. با توجه به اینکه این پژوهش در شهرستان قاین انجام گرفت و با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت تکرار شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ادیب‌راد، نسترن و مجتبی ادیب‌راد (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ش ۱۳، ص ۹۹-۱۱۰.
۲. ادیب‌راد، نسترن، اسماعیل مهدوی، مجتبی ادیب‌راد و غلامرضا دهشیری (۱۳۸۴) «مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه‌کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۳۸-۱۳۱.
۳. آزادی‌فرد، صدیقه و رزیتا امانی (۱۳۹۵)، «رابطه باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۴، ش ۲ (پیاپی ۲۷)، ص ۳۹-۴۷.
۴. افقه، سوسن (۱۳۸۷ ش)، آرون تمکین بک، پیشگام شناخت درمانی، تهران: دانژه.
۵. اکبرزاده، داود، حسن اکبرزاده، صابح قنبری و علی محمدزاده (۱۳۹۳)، «مقایسه نوع باورهای غیرمنطقی، تعارضات زناشویی و سبک‌های مقابله‌ای در زوجین متقاضی طلاق و عادی»، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال ۱۸، ش ۹، ص ۵۲۴-۵۱۶.
۶. امین‌پور، حسن و یاسین احمدزاده (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه وضعیت باورهای غیرمنطقی در افراد معتاد و عادی»، فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، دوره ۵، ش ۱۷، ص ۱۲۰-۱۰۷.
۷. انصاف‌داران، فریده، مهناز محمدی‌زاده سروسنایی و کاظم خرم‌دل (۱۴۰۰)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی»، فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، دوره ۳، ش ۴، ص ۵۹-۳۷.
۸. پورمحمدرضایی تجربی، معصومه، سحر پهلوان‌نشان و طاهره نجفی‌فرد (۱۳۹۳)، «رابطه باورهای غیرمنطقی و سازگاری زناشویی زوجین شهر اصفهان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، ش ۵۳، ص ۱۹۳-۱۷۹.
۹. جمشیدی، علی‌رضا، حسین صاحب‌دل و زینب شکوری (۱۳۹۵)، «باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در مردان و زنان متأهل»، آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۴-۱.
۱۰. حجت، سید کاوه، گلناز وحیدی، مهین حمیدی، سیدآرش اکابری، سرور کاظمی و مینا نوروزی خلیلی (۱۳۹۲)، «مقایسه خصوصیات شخصیتی و باورهای غیرمنطقی در زنان مصرف‌کننده مواد مخدر سنتی و زنان مصرف‌کننده مواد مخدر صنعتی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره ۵، ش ۲، ص ۳۲۳-۳۲۹.
۱۱. حسینیان، سیمین، رقیه نوری پولیوالی، فاطمه رهنما و جویا پورپهلوان (۱۳۹۵)، «مقایسه باورهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق با زنان خواهان ادامه زندگی مشترک»، همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری، تهران.
۱۲. حیدری، محمود، محمدعلی مظاهری و حمیدرضا پوراعتماد (۱۳۸۴)، «رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۳۰-۱۲۱.

۱۳. دلاور، علی (۱۳۹۰ش)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: انتشارات ویرایش.
۱۴. زارعی‌دوست، الهام، محمدکاظم عاطف‌وحید، اکبر بیان‌زاده و بهروز بیرشک (۱۳۸۶)، «مقایسه منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره ۱۳، ش ۳، ص ۲۷۹-۲۷۲.
۱۵. سیف، سوسن و معصومه اسلامی (۱۳۸۷)، «نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی»، اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۴، ش ۱ و ۲، ص ۹۹-۱۳۰.
۱۶. شایب‌آرانی، سهیلا (۱۳۹۲)، «سازگاری زناشویی توسط رضایت جنسی و باورهای ارتباطی ناکارآمد زوجین معتاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی شیراز.
۱۷. شبیری، زهره (۱۳۸۷ش)، مهارت حل تعارض برای همسران، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
۱۸. صداقت‌خواه، عاطفه و ساره بهزادی‌پور (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ۸، دوره ۲، ص ۵۷-۷۶.
۱۹. صدری‌دمیرچی، اسماعیل، آرزو مجرد و معصومه پیرقلی‌کیوی (۱۳۹۸)، «مقایسه منبع کنترل، باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری مذهبی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر اردبیل در سال ۱۳۹۵»، پژوهش در دین و سلامت، دوره ۵، ش ۴، ص ۷۸-۷۳.
۲۰. منصور، لادن و کبری عبدالمحمدی (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی کارکنان زنان متأهل دانشگاه شهید بهشتی»، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۲، ش ۲، ص ۲۶۵-۲۸۰.
۲۱. نریمانی، محمد، محمدجواد بگیان کوله‌مرز و بهناز مهدی‌نژاد مقدم (۱۳۹۴)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی در بیماران مبتلا به سردردهای میگرنی و افراد سالم»، روان‌شناسی سلامت (دانشگاه پیام‌نور)، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۲۰-۷.
۲۲. نوری‌پور لیالی، رقیه، علی فتحی‌آشتیانی، محمدرضا عبدی، جویا پور پهلوان و سمیه سهیلی‌زاده (۱۳۹۴)، «مقایسه باورهای ارتباطی در مردان متقاضی طلاق با مردان خواهان ادامه زندگی مشترک»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ش ۱۳، ص ۱۲۶-۱۱۳.
۲۳. هنرپروران، نازنین، لادن معین و رضا معصومی (۱۳۹۰)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی و ارزش‌ها در زنان متقاضی طلاق و عادی»، دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده، مردودست.
۲۴. یوسف‌نیا پاشا، مهدی، شهره قربان شیروودی و علیرضا همایونی (۱۴۰۰)، «مدل‌یابی ساختاری بین باورهای ارتباطی با سازگاری زناشویی از طریق میانجی‌گری مهارت‌های زناشویی در زنان متأهل»، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دوره ۱۲، ش ۴۵، ص ۹۲-۸۰.

ب) منابع لاتین

1. Addis, J. & Benard, M. E. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of rational emotive and cognitive behavioral therapy*, 20 (1), 3_13.

2. Ewertzon, M., Lutzen, K., Svensson, E., & Andershed, B. (2010). Family members involvement in psychiatric care: Experiences of the health care professionals approach and feeling of alienation. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 17, 422-432.
3. Harway, M. (2005). *Handbook of couple therapy*. John Wiley & Sons.
4. Karney, B. & McNulty, J. (2001). *Cognition and the development of close relationship. Interpersonal processes*, Newyork: Wiley.
5. Maddahifard, R., Rahimi, M., Kazemi Zarif, A. R. & Fattah Moghaddam, L. (2015). The effect of spiritual group therapy on resilience and conflict of women with marital conflict, *Journal of Applied Environmental*, 5 (9S), 326-334.
6. Minnotte, K. L., Pedersen, D. & Mannon, S. E. (2010). The emotion terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction, *The Social Science Journal*, 47, 747-761.
7. Winkler, I., & Doherty, W. J. (2006). Communication styles and marital satisfaction in Israeil and American couples, *Family Process*, 22(2), 221-228.

